

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

تیمورشاه تیموری

نگاه نور

چراغ لاله بیفروخت و گل شگوفان شد
صفای باغ نشان بهشت رضوان شد
ستاره سرزد و مهتاب پرتوافشان شد
نگاه نور ز شوق بهار لرزان شد
من از فراق چو ابر بهار گریانم
ز انتظار دو چشم بشد چهار بیا
بیا برای خدایا تا کی انتظار بیا
ز روی مهر درین مقدم بهار بیا
کنون که دشت و دمن گشته لاله زار بیا
ز حال من که نپرسیده ای پریشانم
شب است و درد فراق فتاده در جانم
تحمّل شب هجران چه گونه بتوانم؟
به ماه تاب نتوان گفت راز پنهانم
ستاره نیز نداند که چیست درمانم؟
چو شمع گریم و پروانه وار سوزانم
تو نور شمع فروزان چرا نمی آئی؟
چو نکه گل و ریحان چرا نمی آئی؟
سریر پرده نشینان چرا نمی آئی؟
خدای مذهب رندان چرا نمی آئی؟
بیا که نزد اجل چند روزه مهمانم
عروس ماه خرامان چو گوی سیمین است
نمود و مظهر شب آسمان زرین است
گرفته دامن شب را فضای مشکین است
نگاه من همه در سوی ماه و پروین است
به هر چه جز تو نظر کرده ام پشیمانم

نهفت کشتی مه در غروب ناپیدا برفت خوشه پروین ز کشتزار سما
سپیده سرزد و جنگل ز دور شد پیدا نرفت دیده تیمور به خواب خوش اما
بیاد ساغر و معشوق و می غزل خوانم

(المان - ششم سپتمبر ۲۰۱۱)